ایرانشهر
شهروند
۴
سه‌شنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۸ | سال هفتم | شماره ۱۶۸۷
www.shahrvand-newspaper.ir

در هر یک از اتاق‌های منزل یا محل کار مکان‌های امن را تعیین کنید. این مکان می‌تواند زیر یک میز محکم، یا کنار دیوار داخلی به دور از پنجره باشد.

پایان اردیبهشت، آخرین مهلت استفاده از طرح ترافیک خبرنگاران

فارس| مدیر واحد ساماندهی محدوده‌ها و طرح‌های ترافیک، ۳۱ اردیبهشت را آخرین مهلت استفاده از طرح ترافیک برای خبرنگاران اعلام کرد. عمار سعیدیان با بیان این که حدود ۶هزار نفر از اهالی رسانه برای استفاده از تخفیف ۹۰ درصدی طرح‌های ترافیک ثبت‌نام کرده‌اند، گفت: «به حدود ۲هزار نفر از این افراد طرح ترافیک تعلق می‌گیرد و مابقی ثبت‌نام‌کنندگان در صورتی که مدارک آنها مورد تأیید قرار گیرد، کارت بلیت یکساله رایگان وسایل حمل‌ونقل عمومی ارایه می‌شود.» مدیر واحد ساماندهی محدوده‌ها و طرح‌های ترافیک از برگزاری کمیته مربوطه جهت بررسی تخفیف سهمیه طرح ترافیک خبرنگاران طی روز آینده خبر داد و گفت: «در این کمیته موضوعات مختلف در این زمینه به‌ویژه سهمیه رسانه‌ها بررسی می‌شود.»

یکی از نیروهای حشدالشعبی و فرمانده این گروه در شادگان خوزستان در گفت‌وگو با «شهروند» از فعالیت‌های انجام‌شده و برنامه‌های آینده می‌گوید

برای انجام وظیفه آمده‌ایم

ما همه یک کشوریم و این‌جا غریبه نیستیم

لحظه ورود خودرو های حامل کالاهای امدادی حشدالشعبی به یکی از شهرهای خوزستان/ عکس: میزان

شهروند| ناهار امروز را یکی از موکب‌های ساکن در شادگان پخته است و حالا غذا به روستای صراخیه رسیده است. قایق موتوری با دو سرنشین هم همزمان خود را به نزدیکی جاده زیر آب رسانده و بدون این‌که کلمه‌ای ردوبدل شود، ظروف یک‌بار مصرف به قایق منتقل می‌شود. هنوز غذای روز کامل تخلیه نشده که جوان دیگری با لباس سپاه پاسداران می‌رسد؛ او از عرب‌های خوزستان است که در سال‌های گذشته به همراه دیگر همرزمانش در سپاه پاسداران بارها به عراق رفته و بعضی از اعضای حشدالشعبی را به نام می‌شناسد. او توضیح می‌دهد که مسئولیت توزیع غذا یکی از وظایف تعریف‌شده برای نیروهای حشدالشعبی در روستاهای اطراف شادگان است و در صراخیه هم آنها چنین کاری را انجام می‌دهند. قایق کوچک چند کوچه پر از آب روستا را طی می‌کند و به خانه‌ای در دل روستا می‌رسد. فرمانده‌ای که یک دستش را در جنگ با داعش از دست داده به حیاط خانه و زیر نخل سر به فلک کشیده می‌آید؛ دو نفر از همکاران و نیروهایش در دو طرفش می‌ایستند و با برخی پاسخ‌ها همذات‌پنداری می‌کند. جوان لاغراندام خوزستانی هم نقش مترجم را برعهده می‌گیرد و سخنان فرمانده حشدالشعبی در شادگان را ترجمه می‌کند.

کی به ایران آمدید و وضع شما الان چگونه است؟

ما به‌عنوان حشدالشعبی که از قسمت نیروی دریایی این گروه هستیم، کارمان در عراق و جهاد تمام شد و به دستور ابومهدی مهندس یعنی فرمانده حشدالشعبی به ایران آمدیم که به سیل‌زدگان کمک کنیم.

در این مدت چه کاری انجام دادید؟

در حالت سیل، نه هواپیما، نه بالگرد، نه وسایلی به این شکل هیچ کارکردی ندارد، مگر این‌که قایق داشته باشیم. پس قایق‌هایمان را آوردیم که الان بیرون‌اند. نه فقط این‌جا، بلکه در روستاهای دیگر هم مستقرند؛ در حدبیه و در دیگر روستاها فعالند. این قایق‌ها را آوردیم که صرفا به مردم کمک کنیم، چون مناطق صعب‌العبور است، این قایق‌ها را آوردیم که مردم را یاری کنیم؛ مریضی باشد انتقال دهیم، خانه‌ها را خالی کنیم و.... به هر نحوی به مردم کمک کنیم. درحال حاضر چون مردم از خانه بیرون هستند و خانه‌ها خالی مانده، کمکی بیاید، غذایی را بخواهیم توزیع کنیم (مترجم: الان هم که غذا بیاید خود همین بچه‌ها غذا را توزیع می‌کنند) این کارها را انجام دهیم و نظم را برقرار کنیم.

> ما به چند گروه تقسیم شدیم و الان حدود ۹ روز است که در روستای صراخیه هستیم و در روستای حدبیه هم گروهی حاضرند؛ نیروهای احتیاط هم داریم. ما قبلا در روستاهای اطراف اهواز بودیم و از آن‌جا دستور دادند که به این روستا بیاییم؛ بعد از این هم هر دستوری بدهند و جایی را مشخص کنند به آن‌جا خواهیم رفت

برخورد مردم ایران و ساکنان مناطق سیل‌زده با شما چگونه بوده است؟ مردم چه واکنشی به حضور شما داشتند؟

ما آمده‌ایم این‌جا و با استقبال خیلی خوبی از طرف مردم روبه‌رو شدیم ولی انتظار نداریم که مثل یک میهمان این‌جا باشیم. ما مثل صاحب‌خانه‌ایم. از این برادرمان که الان چیزی حدود ۹ روز است که خانه‌اش را در اختیار ما قرار داده است، تشکر می‌کنیم. صرفا به خاطر کمک به مردم، این برادرمان خودشان آذوقه ما را تأمین می‌کند و خانه‌اش را برای استراحت در اختیار ما قرار داده است. صددرصد آماده‌باش، با ما هستند. از بچه‌های سپاه هم خیلی تشکر می‌کنیم که با ما همیاری می‌کنند. ما فقط و فقط صرفا به خاطر این آمده‌ایم چون این‌جا مردم غریبه نیستند. ما همه از یک کشوریم؛ از عراق و ایران یک کشور هستیم و غریبه نیستیم؛ پس این مردم، مردم ما هستند. ما برای انجام وظیفه آمده‌ایم، نه برای کمک. ایران به کشور عراق در بحث داعش کمک کرد و ما الان برای کمک به ایران آمده‌ایم. آمریکا و اسراییل هم نمی‌توانند هیچ‌گونه تفرقه‌ای ایجاد کنند. ایران، عراق؛ از امام حسین(ع) تا امام رضا(ع) ما در کنار هم هستیم و هیچ مرزی بین ما نیست.

> این قایق‌ها را آوردیم که صرفا به مردم کمک کنیم، چون مناطق صعب‌العبور است، این قایق‌ها را آوردیم که مردم را یاری کنیم؛ مریضی باشد انتقال دهیم، خانه‌ها را خالی کنیم و.... به هر نحوی به مردم کمک کنیم. در حال حاضر چون مردم از خانه بیرون هستند و خانه‌ها خالی مانده، غذا بیاید خود همین بچه‌ها غذا را توزیع می‌کنند

برنامه شما برای روزهای آینده چیست و تا کی قرار است در ایران باشید؟

از لحاظ استراحت که شرایط ما خوب است، ولی همان‌طور که آمدن‌مان با دستور بود، منتظر دستور خروج خواهیم بود. ان‌شاءالله تا آخر هم با مردم ایران هستیم و تا موقعی که منطقه‌شان امن و سیل تمام شود، در کنار مردم خواهیم بود. ما به چند گروه تقسیم شدیم و الان حدود ۹ روز است که در روستای صراخیه هستیم و در روستای حدبیه هم گروهی حاضرند؛ نیروهای احتیاط هم داریم. ما قبلا در روستاهای اطراف اهواز بودیم و از آن‌جا دستور دادند که به این روستا بیاییم؛ بعد از این هم هر دستوری بدهند و جایی را مشخص کنند به آن‌جا خواهیم رفت. تمام مجاهدین و مسلمین در یک جا جمع شده‌ایم و به فتوای سید سیستانی شکل گرفته‌ایم و برای کمک به ملت ایران همه یک قوا شده‌ایم. ما به‌خاطر امام حسین(ع) و حضرت عباس در مقابل اینها ایستادیم و اجازه ندادیم کوچکترین تعدی به این مکان‌ها داشته باشند و هیچ‌وقت اجازه نخواهیم داد. ما به قاسم سلیمانی به‌عنوان زبده‌ترین فرمانده در جنگ و به‌عنوان یک نظامی بی‌نظیر افتخار می‌کنیم. همه او را دوست داریم.

قصه آدم‌ها

شما هم برای ما بنویسید
Elnaz.2714@gmail.com

زندگی باید کرد، همین!

شهروند| همه چیز برایش تازگی دارد و با هیجان از دیده‌هایش حرف می‌زند: «همه چیز تغییر کرده. ماشین‌ها، آدم‌ها، لباس‌هایی که می‌پوشند حتی کلمات و الفاظی که به کار می‌برند.» همه اینها «هومن» را به وجد آورده‌اند. ۱۶ سال بیشتر نداشت که راهی کانادا شد تا زندگی را در جای دیگری جست‌وجو کند. عمه‌اش آنجا بود و هومن می‌توانست در نبود پدر و مادر از محبت و حمایت عمه‌اش بهره ببرد: «دوری سخت است اما این تصمیمی بود که از سیزده‌سالگی گرفته بودم و بر آن اصرار داشتم. ما یک‌بار بیشتر زندگی نمی‌کنیم و من می‌خواستم از همین فرصت استفاده کنم و آن‌طور که دوست دارم، زندگی کنم و به هدف‌هایی که داشتم برسم.» هومن از کودکی با خواهر و دو برادرش فرق داشت. با اینکه کوچک‌ترین عضو خانواده بود اما از برادرهایش درشت‌تر به نظر می‌رسید و گویی از همان کودکی بزرگ بود و با بیشتر مسائل منطقی کنار می‌آمد. متولد ۶۸ است و بیشتر از سن‌وسالش تجربه دارد: «سال‌ها تنهایی باعث شد زودتر از همسن‌وسال‌هایم بزرگ شوم و این مسأله اصلا اذیتم نمی‌کند. در برنامه‌ای که برای زندگی‌ام داشتم، همیشه برای این دوره از زندگی‌ام جایگاه اجتماعی و اقتصادی‌ای را متصور بودم که خدا را شکر به آن رسیده‌ام.» او کارمند شرکت آمازون است و در واشنگتن زندگی می‌کند. دوران دبیرستان را در کانادا به اتمام می‌رساند و راهی آمریکا می‌شود تا تحصیلات دانشگاهش را آنجا ادامه بدهد و حالا یکی از کارمندان شرکتی است که دوست داشته در آن فعالیت کند: «به بیشتر کشورها سفر کرده‌ام و خوشبختانه دوستان خوبی هم دارم. همه این سفرها یک چیز را برایم روشن کرده است، اینکه مردم ایران سختکوش‌ترین و بامحبت‌ترین آدم‌هایی هستند که به زندگی‌ام دیده‌ام.» هومن ۱۴ اردیبهشت وارد سی‌سالگی می‌شود و وقتی می‌گوییم وارد دهه سوم زندگی‌ات می‌شوی و کم‌کم به سمت پیری می‌روی، خنده بلندی سر می‌دهد و می‌گوید: «سن تنها عددی است که به صورت قراردادی خودمان وضع‌اش کرده‌ایم و هیچ تأثیر دیگری جز اینکه هر سال تعدادی شمع روی کیک را فوت کنیم، ندارد. آن‌چه اهمیت بالایی دارد و نمی‌توان به راحتی از کنار آن رد شد کیفیت زندگی است، اینکه از زندگی چه هدفی داریم این اهداف چه کمکی به ارتقای ما و دیگر انسان‌ها می‌کند.»

هومن با اینکه تحصیلاتش را در رشته فنی به پایان برده اما هنوز هم مانند دوران کودکی شعر می‌خواند: «این آموخته و عادت زیبایی است که از پدر به ارث برده‌ام. شعر خواندن بخش عاطفی و لطیف روحم را زنده نگه می‌دارد و به من اجازه می‌دهد مدتی را بی‌دغدغه، بی‌آنکه به زندگی و بعضی مسائل و پیچیدگی‌های در عین سادگی‌اش فکر کنم، به دنیای خودم بروم و از کلمات شیرین شاعران لذت ببرم، البته فلسفه را هم به اندازه شعر دوست دارم.» برای هر جمله یا مبحثی که حرف می‌زند، بیتی می‌خواند و دوباره مبحث را ادامه می‌دهد: «زندگی کوتاه‌تر از آن چیزی است که در تصور ما است و در عین حال آن‌قدر طولانی است که می‌توان به همه اهداف و خواسته‌ها رسید. ما ایرانی‌ها می‌گوییم شکر نعمت، نعمتت افزون کند/ کفر نعمت از کفت بیرون کند، متاسفانه در این یک هفته‌ای که برگشته‌ام پای حرف هر جوانی که می‌نشینم تنها از نداشته‌ها و آرزوهای‌شان می‌گویند و افسوس آدم‌هایی را می‌خورند که بیرون از مرزها زندگی می‌کنند؛ بی‌آنکه تعریف درستی از زندگی آن سوی مرزها و خوشبختی داشته باشند. به نظر من بزرگترین سرمایه جوانی است و بدترین کاری که می‌شود انجام داد ناله‌کردن و افسوس‌خوردن است؛ چون نه تنها گره‌ای از کار باز نمی‌کند، بلکه افسردگی و ناامیدی می‌آورد که همه ما از عواقب آن آگاه هستیم.» او می‌گوید: «نگرش آدم‌ها محیط و شرایط پیرامون‌شان را می‌سازد؛ پس چرا دنیای زیباتری برای خودمان نسازیم؟» وقتی صحبت‌هایش را گوش می‌دهم به این فکر می‌کنم که این همه پختگی و عمیق‌بودن چه سنخیتی می‌تواند با کسی داشته باشد که همه عمر غرق دنیای دیگری بوده و با اعداد و ارقام سروکار داشته است.

حقوق حیوانات

مادرکشی

سپهر سلیمی| تصویری از یک مرکز نگهداری کرگدن‌های یتیم در آفریقای جنوبی. مادران این کرگدن‌ها را شکارچیان برای دستیابی به شاخشان کشته‌اند. شکار کرگدن بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۴ در آفریقای جنوبی ۹هزار درصد افزایش داشته و از سال ۲۰۱۷ رو به کاهش رفته است. در فاصله یک‌دهه حدود ۸۳۰۰ کرگدن شکار شده. شاخ کرگدن در طب سنتی چینی کاربرد دارد و در شرق آسیا قیمتی اندازه طلا دارد. ضعف قوانین و نظارت باعث شده شکارچیان فقیر وارد شبکه‌های شکار این حیوان شوند.